

قابل ذکر است که در مورد موسیقی مداح پژوهشی صورت گرفته که حاصل آن کتابی است زیر عنوان «موسیقی مداح» که منتظر فرصت چاپ این کتاب هستم. نظر به آمد موضوع در مقاله‌ی به موسیقی سماع اشاره شده بود که به خاطر روشن شدن تفاوت موسیقی مداح و سماع فصل ششم کتاب متذکره را برگزیدم و به **سیمای شغنان** می فرستم. دکتور خوش نظر پامیرزاد

فصل ششم- قرابت مداح با انواع دیگر موسیقی

نوشته دکتور خوش نظر پامیرزاد

۲۱ سنبله ۱۳۹۱



مداح که نوعی موسیقی مذهبی اسلامی است؛ با انواع دیگر موسیقی در اسلام تفاوت کلی از نظر شکل، طرز اجرا و مناسبت های اجرا دارد. انواع دیگر موسیقی اسلامی چه نوع تعزیه، عاشورایی، چه نوع عبادی، صوفیانه، خانقاهی و چه نوع عرفانی آن هریک جای بکاربرد و مضمون خویش را دارند. در جمله این انواع مداح با موسیقی عرفانی همانندی دارد. یکی از انواع موسیقی عرفانی سماع می باشد.

سماع و مداح دو نوع موسیقی هستند که جنبه مذهبی دارند. موسیقی سماع را اهل تصوف بکار می گیرند و موسیقی مداح را اسماعیلیان پیرو طریقه ناصر خسرو. هر دو موسیقی در نوع خود منحصر به فرد می باشد. این هر دو نوع موسیقی جنبه عرفانی داشته و فضای روحانیت را خلق می کنند. کلام این هر دو نوع موسیقی از گفتار عرفای برجسته و شناخته شده انتخاب می گردد.

قبل از آن که به قرابت و تمایز این دو نوع موسیقی پرداخت، دیده شود که سماع و مداح به چی معنا می باشند.

سماع در لغت به معنای شنوایی هر آوازی که شنیدن آن خوش آیند است، آمده است و مداح در لغت به معنای مدح گفتن و مدح توصیف و تعریف، حمد و ثنا را گویند و نیز آواز خوش و دل پسند را گویند. در «ویکی پدیا، دانشنامه آزاد» در باره سماع آمده است که سماع در اصطلاح صوفیه به معنی خواندن آواز و یا ترانه عرفانی است که شنونده گان را به وجد آورده و آن را «ذکر جلی» گویند و نیز حالت جذبه و اشراق و از خویشتن رفتن و فنا به امر غیرارادی است که اختیار عارف تأثیری در ظهور آن ندارد. ولی مداح در اصطلاح آن موسیقی مذهبی است که در شب های عزاداری برای تسلی خاطر، غمشریکی، ایجاد فضای روحانی اجرا می شود.

این دو نوع موسیقی دارای عناصری اند که برخی این عناصر در هر دوی آن ها مشترک بوده و اجرا می گردد. این عناصر را می توان چنین بر شمرد:

الف- نکات مشترک میان مداح و سماع:

میان این دو نوع موسیقی برخی شباهت های شکلی و محتوایی وجود دارد که می شود آن را چنین رقم زد:

- موجودیت آلات موسیقی در هر دوی آن ها شرط اساسی اجرای آن می باشد که بدون موسیقی مفهوم را افاده نمی نمایند.

- بودن رباب در این هر دو نوع موسیقی ضروری است و رباب در هر دوی آن آله مقدس محسوب می گردد.

- دف نیز در هر دوی آن استعمال می شود و بدون آن این موسیقی ها کمبود زیادی دارد .

- موسیقی سماع و مداح سراسر ریتم و ملودی می باشد.

- در سماع صوفیه معتقد اند که بر هر فردی جایز نیست. چنانچه شمس تبریزی آن را بر «خامان» حرام می داند. در

مداح هم برای کسانی که تاب تحمل رازداری و تقوای آن را ندارند؛ مجاز نیست.

- در هر دو موسیقی رحمت حق هدف اساسی می باشد . چنانچه برخی از عرفا به آن تاکید دارند. الرفاعی سر سلسله

رفاعیه می گوید: سماع به طرف حق می رود و آن در شمار چیزهایی است که تقرب الهی پیدا می کنند. سهروردی نیز

آن را جذب کننده رحمت خداوندی میداند. شیخ محدث دهلوی نیز آن را مستجاب رحمت از جانب پروردگار به حساب می

آورد. در مداح نیز شرکت کننده ها امیدوار دریافت رحمت حق هستند. و در جستجوی زمینه تقرب الهی میباشند.

- سماع بر کسی حلال است که نفس او مرده و دلش زنده باشد. مداح که رکن اصلی و تعیین کننده دعوت بقا می باشد. با

اجرای این دعوت صاحب آن نفس اماره را مغلوب ساخته و فقط همه سجایای معنوی را تکمیل می نماید. کسی که این

توان را ندارد، نمی تواند، دعوت بقا را اجرا نماید.

- سماع به قول مولانا " بزم با خدا " یا " بزم معنوی " یا " معرکه روحانی " در خانه هایی با شکل خاصی برپا

می شود. مداح نیز در خانه های پامیری اجرا می گردد که ساختمان مخصوص داشته و دارای مراتب پست و بلند بوده و

نیز دارای پنج ستون می باشد که در وسط بام خانه ساختمان خاص دیگری به نام چارخانه وجود دارد و دیکدان خانه

می باشد.

- در سماع حالتی به وجود می آید که شخص از خود بیخود می گردد؛ مولانا گوید:

دانی سماع چه بود، بیخود شدن ز هستی اندر فنای مطلق ذوق بقا چشیدن

مداح نیز حالتی را به وجود می آورد که اشخاص از خود بیخود می شوند و دعوتی به نام دعوت بقا در رسومات پیر

ناصر خسرو است که فقط برای فنای کامل برپا می شود.

- سماع را غذای روح می دانند و مولانا آن را غذای روح عاشق می گوید. مداح را نیز غذای روح می دانند، مگر آن را

غذای روح مومن می گویند.

- موسیقی در همه احوال و اوقات در برانگیختن انسان کاربردی شگفت و تأثیری غریب داشته که در سماع به اندک

کرشمه معنی و صوت دلاویز نی و آوای شور برانگیز دف از خود بدر شده به سیر آفاق ملکوتی و عوالم قدسی و

پرجذبه خویش فرو می روند. دست افشان و پایکوبان در جذبه گی شور و حال و شیدایی به خواندن ترانه ها و

پرشورترین غزل های لطیف و آسمانی می پردازند. در سماع آوای دلانگیز موسیقی به شدت انسان را به وجد آورده

و عنان شکیبایی و قرار را از کف سماع کننده گان می رباید. در مداح نیز لحظه به لحظه انسان با موسیقی همنا شده،

با صدای وجد آفرین رباب و شور برانگیز دف در خود بیشتر فرو می رود. در مداح دست افشانی و پایکوبی نیست.

بالعکس فضای آرام که تنها رباب و دف آواز مداح خوان را همراهی می نمایند، به حالت فنا زمینه می دهد که شنونده از این دنیا و تاثیرات آن بیگانه شده و در روحانیت مجلس مستغرق می شوند. در مداح شکیبایی بیش از حد به وجود می آید و بیقراری در قلب ها توفانی را در قفس جسم آرام خلق می کند. با موجودیت عناصر همانند در این دو نوع موسیقی تمایزهایی نیز در آن ها مشاهده می شود. این تمایزها به طور خلاصه قرار آتی شمار می گردند.

ب- تفاوت ها میان مداح و سماع:

با وجود داشتن نکات مشترک میان این دو نوع موسیقی مذهبی تمایزاتی نیز در آن ها مشاهده می گردد؛ بدینقرار:

- سماع عشق و شوریده گی را دامن می زند و مداح به آرامش، تعقل و ایمان دعوت می کند.

سماع از بهر جان بسی قرار است سبک برجه چه جای انتظار است

سماع آرام جان زنده گانی ست کسی داند که او را جان جانی ست

مداح نیز برای جان بیقرار است. ولی در مداح جهیدن مجاز نیست. آرامش فضای روحانیت شرط است تنها صدای دف و رباب آواز مداح خوان است که فضا را در اختیار دارد.

- سماع آسوده گی را از انسان می رباید. بهاء ولد فرزند مولانا این مشخصه را در شرح حال پدرش می گوید:

روز و شب در سماع و رقصان بود بر زمین همچو چرخ گردان بود

سیم و زر را به مطربان می داد هر چه بودش ز خان و مان می داد

یک زمان بی سماع و رقص نبود روز و شب لحظه یی نمی آسود

مداح در دعوت ها موقع خاص خود را دارد. بیشتر در مداح آسوده گی و راحت خاطر حاصل می شود.

- در سماع پای کوبی یکی از ارکان آن است؛ مولانا گوید:

به زیر پای بکوبید هر چه غیر وی ست سماع از آن شما و شما از آن سماع

هر چند در این بیت زیر پای کوبیدن به مفهوم بی ارزش شمردن و ترک گفتن غیر وی که مراد از محبوب است، مطرح می باشد. مگر پایکوبی نیز به شکل فزینی آن در سماع صورت می گیرد. درمداح پایکوبی وجود ندارد.

- رقص در سماع نوعی رهیده گی از جسم و خرسندی در هوای عشق محبوب محاسبه شده که صورتی از وجد و هیجان صوفیانه را نشان می دهد. سخن مولانا:

در هوای عشق حق رقصان شوند همچو قرص بدر بی نقصان شوند

در مداح رقص مطرح نیست و از اصول آن حساب نمی شود. به ندرت افرادی که هنر رقص دارند به وجد می آیند و در حین هیجان به میدان می برآیند.

- حرکات مربوط به رقص در سماع (چرخ زدن، جهیدن، پاکوفتن و دست افشاندن) را رمز احوال و اسرار روحانی تلقی می‌کنند.

در مداح حرکاتی صورت نمی‌گیرد، نه چرخ زدن و نه جهیدن نه پاکوفتن و نه دست افشاندن.

- سماع حالتی در قلب ایجاد می‌کند که "وجد" نامیده می‌شود و این وجد حرکات بدنی را به وجود می‌آورد. اگر این حرکات غیر موزون باشد، "اضطراب" و اگر موزون باشد، کف زدن و رقص است. مداح حالتی در قلب به وجود می‌آورد که انسان را بیشتر در خود فرو رقتن می‌برد و از اضطراب و کف زدن و رقص دور می‌کند.

- برای سماع سماع خانه ساخته و در آن جایگاه آلات موسیقی اختصاص داده شده است. این آلات عبارت اند: از نی، رباب، دف، تنبور، کمانچه، کمان و تار می‌باشد.

مداح در خانه های پامیری که برای زیستن خانواده ها است، صورت می‌گیرد و برای آلات موسیقی جایگاه خاص اختصاص داده نشده است. آلات موسیقی مداح عبارت اند: از رباب و دف است که به طور عام استفاده می‌شوند و بدون این دو آله مداح اجرا شده نمی‌تواند و هر آن موسیقی که بدون دف و رباب سروده و نواخته شود، مداح به حساب نمی‌آید. علاوه بر این دو آله، در این سال ها آلات دیگری چون تنبور، غیچک، ارمونیه و طبله را نیز شامل موسیقی مداح کرده اند.

در گذشته ها آله دیگری از جنس رباب به نام قمری شامل بوده که در برخی آثار گذشته گان آن را قانون یا قانونچه نیز گفته اند.

دیده می‌شود که مداح و سماع هر دو از انواع موسیقی مذهبی اسلامی حساب شده با وجود نزدیکی نظر به اهداف و مقاصد تمایز زیادی از هم دارند.